

غزل شماره ۱۴۴

به سَرِ جامِ جم آنکه نظر توانی کرد
که خاکِ میکده کُحلِ بَصَرِ توانی کرد

مباش بی می و مُطرب که زیر طاقِ سپهر
بدین ترانه غم از دل به در توانی کرد

کُلِ مرادِ تو آنکه نقاب بکشید
که خدش چو نسیم سحر توانی کرد

کدایی در میخانه طرفه اَکسیر است

گر این عمل بکنی، خاک زر توانی کرد

به عزمِ مرحله عشق پیش نه قدمی

که سودها کنی از این سفر توانی کرد

تو کز سرایِ طبیعت نمی روی بیرون

کجا به کویِ طریقت گذر توانی کرد

جمالِ یار ندارد نقاب و پرده ولی

غبارِ ره بستان تا نظر توانی کرد

یا که چاره ذوق حضور و نظم امور

به فیض بخشی اهل نظر توانی کرد

ولی تو تالابِ معشوق و جام می خواهی

طمع مدار که کارِ دگر توانی کرد

دلاز نورِ هدایت گر انگی یابی

چو شمع، خنده زان ترکِ سر توانی کرد

گر این نصیحتِ شاهانه بشنوی حافظ

به شاهراهِ حقیقت گذر توانی کرد

تفسیر فال

جوانی دوران خاص و حساسی است که باید به نحو احسن و با شادی سپری شود، نه آنکه در پی آن غم و اندوه باشد. در این مرحله از زندگی، رسیدن به آرزوها و مرادها بسیار سهل و آسان است، به شرطی که خود را بندگی خداوند کرده و با تواضع و فروتنی در خانه‌ی او درخواست نمایید. این سفر معنوی که پیش رو دارید، نه تنها سودمند، بلکه پربار خواهد بود. در انجام کارهای خود هرگز نباید دچار طمع شوید؛ چراکه طمع می‌تواند باعث خراب شدن امور گردد و مانع از دستیابی به موفقیت‌های واقعی شما شود. اگر بتوانید بر خویشتن تسلط یافته و نیت‌های خالص داشته باشید، آنگاه خواهید دید که چه خوش شانسی‌ای نصیب‌تان خواهد شد. با دست زدن به هر کاری، قدرت الهی همراه شماست و همه چیزهایی که به آنها توجه کنید، رنگی از طلا خواهد گرفت؛ یعنی تمام تلاش‌هایتان بارور خواهد شد.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)